

محمد عبدالکریم^۱

جمهوری‌های آسیای مرکزی در انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری خود اطمینان حاصل می‌کنند که در مقابل مخالفان خود، چه اسلام‌گراها و چه دموکرات‌ها محافظت می‌شوند. این رژیم‌ها در تأسیس نهادهای سکولار بیشتر مشوق مداخله کشورهای غربی و آمریکا در منطقه بوده‌اند. انگیزه اصلی کشورهای غربی منافع اقتصادی یا سیاسی است؛ ولی روشن است که جهان اسلام باید اولویت مذهبی - فرهنگی را در منطقه میان سایر اولویت‌های خود قایل شود. کشورهای ذینفوذ مسلمان به جای تکیا پو در جهت منافع خاص خود باید ابتکار تدوین یک سیاست مشترک و چندمنظوره در خصوص توسعه نهادها و دانش‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، پرورشی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی را در دست گیرند. اگر رهبران آسیای مرکزی و کرم‌لین تصور کنند اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی خواستار نقشی مهم در امور دولتی چه در آسیای مرکزی و چه در قفقاز نخواهد بود، نشانگر خامی آنهاست.

در زمان جنگ چین (۹۶-۱۹۹۴) بنابه میانگین آمارها حداقل ۵۰۰۰۰ چینی کشته شدند و مدت زمان پیش‌بینی شده این جنگ، بیش از زمان پیش‌بینی شده توسط روسیه، به‌طول انجامید. چریک‌های چینی شمار بسیاری از سربازان روسی را کشتند و این امر باعث شد افکار عمومی غیرنظامیان روسیه خواستار توقف جنگ شود. بعد از جنگ هنوز مقامات روسی هیچ مکانیسم سیاسی که بتواند به خاتمه صلح‌آمیز و قطعی بحران چین بینجامد ایجاد نکرده‌اند.

هنگامی که جهان خود را برای استقبال از هزاره جدید آماده می‌کرد، چینی‌ها

۱. آقای محمد عبدالکریم محقق مسایل آسیای مرکزی در مرکز کنفرانس‌های مارکفیلد، لستر انگلستان (Markfield Conference Centre) است. این مقاله به هشتمین سمینار آسیای مرکزی ارائه شده و توسط آقای امیرمسعود اجتهادی از انگلیسی به فارسی ترجمه گردیده است.

باز هم آماج حملات روسیه قرار گرفتند. درست در آغاز هزاره جدید میلادی، گروزی پایتخت چین آزاد شد در حالی که مقامات روسیه ادعا کردند این آزادی به قیمت جان ۱۰۰۰۰ غیر نظامی چینی و بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سرباز شورشی از میان حدود ۱۰۰۰۰ کل نفرات نظامی چین، تمام شد. همچنین به نقل از گزارشهای واصله از حدود یکصد هزار نیروی منظم ارتش روسیه حدود ۵۰۰۰ تن کشته و تقریباً همین تعداد مجروح شدند. مجروحان روسی اظهار می‌داشتند که تعداد زیادی از آنها در بیمارستانها در آستانه مرگ قرار دارند. گروزی در اثر قطع برق و گاز از پای درآمد و سقف خانه‌های بسیاری فرو ریخته است. بازماندگان این شهر کوشیده‌اند خانه و کاشانه خود را در میان ویرانه‌های ناشی از دو جنگ در مدت کم‌تر از شش سال، بازسازی کنند.

سازمان‌های حقوق بشری از جمله عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر^۱ مکرراً از مقامات روسی خواسته‌اند که در مورد رفتار نظامیان روسی تحقیقات قانونی انجام دهند.

جنگجویان چینی برای پاسخ به عملکرد ارتش روسیه در چین دست به جنگ تلافی جویانه زدند و با این وضعیت، اتمام جنگ امری بعید بود. ممکن است تصرف گروزی برای رئیس جمهور پوتین یک پیروزی به حساب آید؛ ولی کرملین هنوز بر جنگجویان چین چیره نشده است. برای مثال کوچ آوارگان چینی باعث ایجاد وضعیت تنش، بی‌ثباتی و فاجعه قومی در قفقاز شده است. بزرگترین بحران در اینگوش، همسایه چین ایجاد شده است. اینگوش جمهوری کوچک هم‌مرز چین که قبلاً مملو از آوارگان اوستیا^۲ شده بود، لبریز از آوارگان چینی شد. تقریباً یک چهارم میلیون تن از چینی‌ها از مرزها گذشته و وارد اینگوش شده‌اند. این عده کثیر غیر نظامی، که در میان آنها مردان سالخورده، زنان و کودکان به چشم می‌خورند مایوس از ادامه زندگی و بدون غذا و سرپناه هر آنچه در مالکیت خود داشتند رها کرده‌اند. اینگوش با مشکل برآوردن نیازهای اساسی آوارگان یعنی غذا، سرپناه، دارو و غیره روبروست؛ بسیاری از آنها که در

1. Human Rights Watch.

2. Ossetia.

بمبارانهای روسیه به شدت آسیب دیده بودند به دلیل عدم معالجه بدرود حیات گفتند. رئیس جمهوری اینگوش، آئوشف^۱ مکرراً از کرملین درخواست کرد به درگیری خاتمه دهد و راه‌حلی برای این مشکل بیابد. کمک‌های رسیده برای آوارگان ناکافی بود و به موقع به آنها نرسید و هیچ کس در این امر جمهوری اینگوش را یاری نداد. بیمارستانها برای مراقبت از زخمی‌ها کم بودند. روشن است به‌رغم اینکه اینگوش جزئی از سرزمین روسیه است و آوارگان هنوز هم شهروندان روسی به حساب می‌آیند، مقامات مسکو تمایلی برای کمک به اینگوش در جهت رسیدگی به مشکلات آوارگان نشان نداده‌اند. بلکه حتی رسانه‌های مسکو آئوشف را متهم کردند که به‌منظور جلب کمک‌های بین‌المللی به نفع خود، مسأله آوارگان را به‌وجود آورده و به آن دامن می‌زند. سازمانهای بین‌المللی امدادی که با مشکلات زیادی برای دسترسی به آوارگان روبرو شدند به‌رغم گستردگی این فاجعه انسانی بی‌یاور ماندند. روسیه با اعلام اینکه مسأله چچن یک «موضوع داخلی» است مانع از ورود سازمانهای غیردولتی به چچن شد. عدم کمک فوری به کودکان و سالخوردهگان آواره که در سرما گرفتار شده بودند باعث شد آنها قربانی مرگ «طبیعی» شوند.

ارتش و دولت روسیه با تحمیل رنج بر آنها، حرمت خود را در مقابل هزاران غیرنظامی آواره چچنی از دست دادند. روسیه در این بحران به دنبال چیست؟ شاید کنترل بلندمدت سرزمین چچن. اما نباید فراموش کرد که اردوگاههای آوارگان ممکن است مانند زمانی که استالین تقریباً تمامی چچنی‌ها را در سال ۱۹۴۴ اخراج کرد، نسل جدیدی از جنگجویان را به‌وجود آورد؛ ولی استالین هرگز نتوانست جلوی مبارزه آزادیخواهانه آنها را بگیرد. جنگ روسیه علیه به اصطلاح «تروریست‌ها» نهایتاً بر عزم «شورشیان» که مقامات روسیه آنها را «افراطی‌های مسلمان» خطاب و به دلیل بی‌ثباتی منطقه چچن سرزنش می‌کنند، افزود.

بسیاری از اعضای جامعه بین‌المللی پیشنهاد کرده‌اند که رهبران جهان باید مانند کوزوو و

1. Aushev.

تیمور شرقی مداخله کنند. برخی از رهبران جهان نگرانی خود را نسبت به این جنگ ابراز داشته‌اند؛ ولی این ابراز نگرانی کافی نیست. آنها باید به منظور خاتمه قطعی این درگیری اقدام عملی جدی اتخاذ کنند. سایر سیاستمداران عملکرد روسیه را قویاً محکوم و پیشنهاد کرده‌اند که جامعه بین‌المللی باید هر نوع همکاری با روسیه را تا حل و فصل قابل قبول این درگیری متوقف سازد.

سازمان کنفرانس اسلامی که پنجاه و دو کشور نیرومند مسلمان در آن عضویت دارند نگرانی خود را نسبت به وضعیت چین ابراز داشته.^(۱) ولی نه کشورهای مسلمان و نه دول غربی هیچ اقدام جدی برای واداشتن رهبران کرملین به حضور بر سر میز مذاکره اتخاذ نکرده‌اند.

در حالی که مبارزان مسلمان مسئول جنگ در چین معرفی شده‌اند، داغستان، همسایه چین که عضوی از فدراسیون روسیه است نیز به ترتیب مشابه شاهد برخورد با نفوذ اسلام است. «عامری شیخ سعیدف»^۱ استاد مؤسسه تاریخ داغستان در این رابطه اظهار می‌دارد: «اسلام یک عامل بسیار جدی در حیات سیاسی و اجتماعی داغستان است و صاحب‌نظران سیاسی، داغستان را به‌عنوان اسلامی‌ترین منطقه فدراسیون روسیه تلقی می‌کنند».^(۲) ولی به‌طور کلی، چین و داغستان مهم‌ترین جمهوری‌هایی هستند که به ادعای مقامات روسیه از سوی افراط‌گرایی اسلامی تهدید می‌شوند. خلوص مذهبی مردمان این نقاط بر مقامات روسیه پوشیده نیست. پس از فروپاشی شوروی، داغستان به‌عنوان سازمان‌دهنده فعالیت‌های اسلامی معروف شد. داغستان حداقل از ۳۴ گروه قومی که به میزان قابل توجهی ناسیونالیست و مذهبی هستند تشکیل شده است. شاید تنها عامل اتحاد شهروندان مذهب باشد. این امر نیز به‌نوبه خود آنها را با سایر ملل مسلمان قفقاز پیوند می‌دهد.

منطقه قفقاز از نظر استراتژیک و اقتصادی اهمیت خاصی دارد. ذخایر عظیم نفت و گاز این منطقه توجه شرق و غرب و از جمله آمریکا را جلب کرده‌است. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی خود به «شاهراه» غرب معروف است و دولت‌های جدید آسیای مرکزی می‌توانند از

1. Amri Shikhsaidov.

طریق این شاهراه به غرب راه یابند. کشورهای بزرگ قبلاً با اقدامات قابل ملاحظه‌ای که برای کنترل قراردادهای خط لوله انجام داده‌اند نفوذ خود در منطقه را به‌منظور نیل به اقتصادی‌ترین منافع خویش توسعه داده‌اند.^(۳) ولی روسیه در منطقه، قدرت اصلی و مانع نفوذ قدرت‌های خارجی است زیرا قفقاز تحت صلاحیت روسیه است: همچنین، مسکو «به‌ویژه متعهد به کنترل نفوذ ترکیه، ایران و بنیادگرایی اسلامی است».^(۴) ولادیمیر پوتین^۱ رئیس‌جمهور روسیه، قسم خورده است که با بنیادگرایی اسلامی در منطقه مبارزه می‌کند. وی طی دیدار خود از انگلیس در آوریل ۲۰۰۰، اظهار داشت جنگ علیه چچن به معنای جنگ علیه بنیادگرایی اسلامی است و او انتظار دارد غرب بنیادگرایی اسلامی را جدأ یک دشمن مشترک برای خود و روسیه تلقی کند.^(۵) دفتر ریاست جمهوری روسیه نیز ادعا کرد که دولت طالبان جدایی‌طلبان چچن را مورد حمایت همه‌جانبه قرار داده است.^(۶) از قرار معلوم، روسیه به شکلی فعال برای مشروعیت بخشیدن به اقدام خود مبنی بر حفظ قفقاز از گسستگی و فروپاشی تلاش کرده است. قفقازی‌ها به لحاظ تاریخی در مقابل حضور روسیه در منطقه ایستادگی کرده‌اند. به گفته ایگور ایوانف^۲ وزیر خارجه روسیه، با تلاش در جهت تخریب و چچنی‌ها انتظار دارد «کشورهای اروپای غربی از عملیات نظامی مسکو علیه تروریسم مورد حمایت افراطیون اسلامی حمایت کنند».^(۷)

اکثر جمعیت منطقه قفقاز از دیرباز مسلمان بوده‌اند. چچن، داغستان و آسیای مرکزی نیز از نظر مذهبی چنین وضعی دارند. آنها در زمان حاکمیت شوروی از دنیای اسلام منتزع گردیدند. مع الوصف، مذهب در هر دو نقطه عامل تقویت هویت در زمان حاکمیت الحادی شوروی بوده است. بعد از فروپاشی شوروی، کرملین سیاست بردباری مذهبی را در پیش گرفت ولی برخی نقاط خاص به لحاظ سیاسی برای پیروزی در مبارزه سیاسی نیازمند یک سپر بلا بودند. از قرار معلوم، زدوبند سیاسی باعث شد کرملین در مقابل مشغله فکری خود نسبت به قفقاز احساس عجز کند نه بنیادگرایی یا افراط‌گرایی. روسیه برای ابقای حوزه نفوذ استراتژیک و

1. Vladimir Putin.

2. Igor Ivanov.

اقتصادی خود هیچ بازی بزرگ جدیدی در نزدیکی مرزهایش که در محاصره جمهوری‌های شوروی سابق است را تحمل نخواهد کرد،^(۸) گرچه این جمهوری‌ها به لطف طرح ابتکاری یلتسین برای ایجاد جامعه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع به استقلال «نامحدود» نایل آمدند. روسیه در بسیاری از این جمهوری‌ها پایگاه‌های نظامی نیرومندی دارد. اولویت روسیه، که پرنفوذترین کشور در جامعه مشترک‌المنافع است، بازگرداندن دولت‌های تازه استقلال یافته به روسیه تحت لوای جامعه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع است.^(۹)

اعتقاد مذهبی در این مناطق شیوه کهنه زندگی شوروی را تغییر داده و در حال حاضر نفوذ سیاسی روسیه در این مناطق روبه افول گذارده است. دلیل این امر می‌تواند توجه جمهوری‌های آسیای مرکزی به اخلاق، در کنار مشکلات پولی و سیاسی باشد. مقامات سیاسی، رشد باور مذهبی در دهه ۱۹۹۰ را به عنوان افزایش فعالیت‌های میسیونری مسلمانان که دیگران را با پیروی از «یک شیوه افراطی اسلامی» موعظه می‌کنند، محکوم می‌نمایند. اما اکثر صاحب‌نظران غربی بر این باورند که: «در یکصد سال گذشته قید اسلام بر مسلمانان نه تنها کمتر نشده بلکه افزایش یافته است».^(۱۰) مقامات روسیه پیروان هر شعبه‌ای از اسلام را وهابی-که نام آن، از فرقه‌ای از اسلام در قرن هیجدهم میلادی در عربستان سعودی گرفته شده- می‌نامند. در حالی که آنها از کمترین نفوذ در این مناطق برخوردارند، مقامات و رسانه‌ها وهابیت را تقبیح کرده‌اند به طوری که این اقدام باعث حمله روسیه به چین شد.

پیروی از شریعت در اکثر نقاط قفقاز شمالی حتی در زمان سلطه کمونیسم متوقف نشد و حداقل، رؤسای طوایف، هر جاکه مقامات دولتی نفوذ ناچیزی داشتند به طور خصوصی و در خفا به شریعت عمل می‌کردند و اکنون نیز شرایط تغییری نکرده و چین قبل از حمله روسیه اعلام کرد شریعت یا قانون اسلام بر آن حاکم است. مقامات سیاسی ادعا کرده‌اند علاوه بر چین، در برخی نقاط دیگر قفقاز شمالی، به اصطلاح «وهابی‌ها» یا پیروان اسلام افراطی هدف حملات

نظامی ارتش روسیه بودند. چندی پیش، وهابی‌های داغستان سرزمین‌های کراماخی^۱ و چابانماخی^۲ را تابع قانون شریعت اعلام کرده بودند. کیروال^۳ روستایی دیگر واقع در ۵۰ کیلومتری مخاج قلعه^۴، پایتخت داغستان، فرآیند جدی اسلامی شدن را تجربه کرد.^(۱۱) طبق تحقیقات دکتر دیمیتری ماکاروف^۵ در مؤسسه مطالعات شرق‌شناسی مسکو^۶، پیرامون اتخاذ قوانین شریعت در روستای کیروال، «وضعیت این روستا امن‌تر و آرام‌تر شده و سرقت و سایر جنایات کاهش یافته است».^(۱۲) ولی، حاکمیت رسمی دولت به روشنی در تمامی نقاط قفقاز شمالی اعمال شده اما با چالش‌هایی روبرو گردیده است. موج دوم آوارگان چچنی در شش سال درگیری، یک فاجعه انسانی به وجود آورده و بار دیگر سیاست روسیه در قفقاز را نشان داد. حمله روسیه نه تنها در قفقاز بلکه در میان سایر ملت‌های کوچک تحت حاکمیت روسیه نگرانی و نارضایتی ایجاد کرده است. فدراسیون روسیه از بیش از یکصد ملت تشکیل شده است.^۴ اعتراض اصلی رهبران منطقه علیه کرملین این است که کرملین یک سیاست جدی فدرالیستی و چندملیتی در قبال همزیستی فرهنگ‌های مختلف تدوین نکرده است.

به رغم قتل‌عام‌ها و ویرانی‌های ناشی از جنگ چچن، رهبران غربی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از حملات روس‌ها علیه به اصطلاح «تروریست‌های اسلامی» دفاع کرده‌اند. نگرش غرب باعث می‌شود که ناسیونالیست‌ها تقویت شوند و احتمالاً در آینده دست به اقداماتی علیه منافع غرب بزنند. نفت خزر یکی از دلایل اصلی برای رقابت روسیه و غرب بر سر کسب نفوذ در منطقه است. هنری کیسینجر، معمار کهنه کار سیاست خارجی آمریکا، اظهار داشته است که رشد بنیادگرایی خطری برای منطقه است و رژیم‌های بنیادگرا در مقابل منافع روسیه و آمریکا در سراسر خاورمیانه ایستاده‌اند. ویلی کلیس، دبیرکل ناتو^۷ بنیادگرایی اسلامی را مورد انتقاد

1. Karamakhi.

3. Kirovaul.

5. Dimitri Makarov.

7. Willy Claes.

2. Chabanmakhi.

4. Makhachkala.

6. Institute of Oriental Studies.

قرار داده و اظهار می‌دارد که باید با آن به‌عنوان تهدیدی به بزرگی کمونیسم در دهه‌های قبل، برخورد شود.^(۱۳) آنچه واقعاً در چچن می‌گذرد از نظر رهبران روحانی مسلمان در روسیه از جمله آشیروف^۱، رئیس جنبش نور، مقصود صدیقف^۲ و سایرین، تصفیه مسلمانان و خارج کردن آنها از حیات مردمی و سیاسی روسیه است. استقرار نیروی شبه نظامی محلی، واکنش مسلمانان را برانگیخت؛ زیرا این اقدام را تلاشی در جهت رودررو قرار دادن چچنی‌ها و داغستانی‌ها تلقی می‌کردند. ولی رهبران مسلمان تشکیل یک کمیسیون ملی متشکل از چهره‌های سیاسی و مذهبی را یک گام ضروری در راستای حل مسأله داغستان تلقی می‌کنند. بسیاری بر این عقیده‌اند که روسیه باید با اصلان مسخدوف^۳ به توافق برسد نه با کسی که مسکو انتخاب می‌کند؛ زیرا تأمین امنیت مرزها بدون حل مسأله چچن غیرممکن خواهد بود. در حالی که کرملین از نیاز به یک راه‌حل دموکراتیک به‌عنوان جنبه اساسی این مسأله غفلت می‌ورزد، افراتیون مسلمان در حال جلب هواداری و حمایت توده‌ها هستند. در واقع مسکو نمی‌تواند مدرک محکمی دال بر ربط دادن مسئولیت انفجارهای اخیر در نقاط مختلف به گروه‌های اسلامی که به بهانه ایجاد یک حکومت اسلامی از راه توسل به زور سرزنش می‌شوند، ارائه دهد.

جمهوری آذربایجان که یک جمهوری مستقل مسلمان‌نشین است مانند کلیه جمهوری‌های دیگر شوروی سابق، در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد. این جمهوری از نظر جغرافیایی در ماورای قفقاز واقع شده است. مساحت آن ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع، از شمال با روسیه، از شمال غربی با ارمنستان و از جنوب با ایران هم‌مرز است. آذربایجانی‌ها به زبان ترکی آذری صحبت می‌کنند و اکثر آنها شیعه هستند. در حال حاضر کل جمعیت جمهوری آذربایجان هفت میلیون نفر است. اکثریت با آذری‌هاست و ملیت‌های قفقازی و روسی نیز در آن زندگی می‌کنند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، حزب کمونیست جمهوری آذربایجان منحل شد و

1. Nafiyula Ashirov.
3. Aslan Maskhadov.

2. Maksud Sadikov.

برخی احزاب سیاسی دیگر - جبهه مردمی آذربایجان^۱، حزب سوسیال دموکراتیک آذربایجان^۲، حزب استقلال ملی آذربایجان^۳ حزب (مردمی)^۴ خلق، حزب اسلامی^۵ و حزب آذربایجان جدید^۶ - شکل گرفتند. حیدرعلی اف رئیس جمهور آذربایجان است. او از زمان به قدرت رسیدن حزبش موفق شده است ثبات قابل توجهی را در کشور مستقر سازد. ولی به دلیل اینکه نتوانسته درگیری ناگورنو - قره‌باغ را با ارمنستان حل کند، با بیشترین چالش از سوی مخالفانش روبروست. ارمنستان همچنین زمین‌های بیشتری را در مجاورت ناگورنو - قره‌باغ تسخیر کرده و کنترل کامل آن را در دست دارد. تسخیر مناطق وسیعی از جمهوری آذربایجان به دست ارمنستان، مشکل آوارگان را برای آذربایجان به وجود آورده است. دولت آذربایجان ادعا می‌کند که روسیه ارمنستان را مورد حمایت همه‌جانبه قرار داده است. همچنین، دولت باکو این امر را به عنوان ترفندی از سوی روس‌ها برای واداشتن آذربایجان و ذخایر نفت آن به ورود به مدار روسیه تلقی می‌کند. آذربایجان در صدد توسعه بهره‌برداری از ذخایر عظیم نفت و گاز دریای خزر است. اخیراً جمهوری آذربایجان مستقلاً قراردادهای نفتی با کشورهای غربی منعقد ساخته و این امر روسیه را عصبانی کرده است.

ترکیه، از زمان استقلال جمهوری آذربایجان تاکنون نزدیکترین روابط را با آن داشته و در زمینه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ، و اقتصاد بیشتر از سایرین روابط مستقیم با این کشور برقرار کرده است. جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد و متعاقباً به سازمانهای بین‌المللی مختلف دیگر پیوست. غیر از ترکیه، کشوری که روابطش با آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، کشور همسایه و مسلمان ایران می‌باشد. آذربایجان به دلیل اهمیت استراتژیک، روابط خوبی با روسیه و گرجستان دارد. ایران مانند ترکیه مبادلات

1. People's Front of Azerbaijan.
2. Social Democratic Party of Azerbaijan.
3. Azerbaijani Party of National Independence.
4. Khalq. (People's) Party.
5. Islamic Party.
6. Eni Azarbacan Partiasi: The New Azerbaijan Party.

اقتصادی و فرهنگی زیادی را با آذربایجان آغاز نموده است. آذربایجان به سازمان کنفرانس اسلامی و یک سازمان منطقه‌ای ملحق شده است که به دلیل روابط اقتصادی آن را سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌نامند. اگو امیدوار است با چشم‌انداز توسعه اقتصاد کشورهای عضو به یک سازمان منطقه‌ای مهم تبدیل شود. اگو، برای انتفاع کشورهای عضو از منابع طبیعی منطقه - نفت، گاز، مواد معدنی و مال‌التجاره - تأکید کرده است. یکی از ناظران نزدیک فعالیتهای اگو، ارزش زیادی برای فعالیتهای این سازمان در جهت توسعه اقتصادی منطقه قایل است.^(۱۴)

دولت فعلی آذربایجان حامی یک سیستم سکولار است. قانون اساسی آذربایجان که در سال ۱۹۹۵ تصویب شد دین را از سیاست جدا اعلام می‌کند. تعلیمات مذهبی به‌طور خصوصی انجام می‌شود. همچنین مدارس، دانشکده‌ها و حتی دانشگاه‌ها مجازند در جمع خودشان سخنرانی‌های علمی - مذهبی برگزار کنند. ناظران بسیاری خاطر نشان ساخته‌اند که انقلاب اسلامی کشور همسایه ایران، در سال ۱۹۷۸، یک علقه مذهبی در آذربایجان به‌وجود آورده است. در سمپوزیوم بین‌المللی «تمدن اسلامی در قفقاز» که در تاریخ ۱۱-۹ دسامبر ۱۹۹۸ در باکو برگزار شد، رئیس جمهور حیدرعلی اف اظهار داشت ملت آذربایجان از تعلق به مذهب، تمدن و نظام اخلاقی اسلامی بر خود می‌بالد.^(۱۵) ولی رژیم فعلی آذربایجان، مانند سایر جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق، نظر مساعدی نسبت به بنیادگرایی اسلامی ندارد. دولت، حزب اسلامی^۱ را اندکی پس از تأسیس منع کرد. طول عمر حزب اسلامی در آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ بود. آذربایجان کشور مهمی در قفقاز است. برخوردهای قفقاز شمالی از سوی مسکو به‌عنوان شورش علیه حاکمیت کرملین و برقراری «حکومت اسلامی» در منطقه تقبیح شده است. آذربایجان برای حفظ امنیت خود از «شورش‌های اسلامی» جانبداری نخواهد کرد.

در آسیای مرکزی، دولت‌های جمهوری قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان با گروه‌های اسلامی در تعارضند؛ قزاقستان مانند ترکمنستان نسبتاً آرام‌تر است و کمتر چیزی در

1. Islamic Party.

خصوصاً شورش‌های بنیادگرایان در آنجا به گوش می‌رسد. رهبران آسیای مرکزی برای برقراری روابط اقتصادی اتحادیه‌ای متشکل از کشورهای آسیای مرکزی تأسیس کرده‌اند. این اتحادیه نگرانی جدی خود را از رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه اعلام کرده است. انفجار بمب در تاشکند در ۱۶ فوریه ۱۹۹۹، تنش‌ها در ازبکستان ایجاد کرد که رئیس‌جمهور اسلام کریم‌اف را بر آن داشت رهبران اپوزیسیون و اعضای خانواده آنها را دستگیر کند. رهبران و احزاب اسلامی ذینفوذ اقدام ضدبشری تروریسم را محکوم کرده‌اند. رهبران اسلامی، موضع اسلام در خصوص اینکه این دین از تکاب هرگونه جنایتی علیه مردم بی‌گناه، به‌ویژه زنان و کودکان را ممنوع کرده است را تأیید می‌کنند. ولی، بسیاری به منظور فرار از دستگیری و سرکوب سیاسی به کشورهای همسایه، تاجیکستان و قرقیزستان گریخته‌اند. مقامات کشورهای آسیای مرکزی و روسیه ضمن ابراز نگرانی عمیق، مکرراً بر به اصطلاح تهدید اسلامی به دلایل سیاسی داخلی تأکید می‌کنند، در صورتی که این خلاف واقعیت است و جنبش اسلامی هرگز تهدیدی مطرح نمی‌کند. (۱۶)

وضعیت سیاسی در ازبکستان مایه نگرانی شده است. در پی تدابیر سال ۱۹۹۹ دولت ازبکستان علیه بنیادگرایان مسلمان، بسیاری از مسلمانان از ازبکستان گریخته و در کشور همسایه، قرقیزستان، موضع گرفتند و تعدادی از مردم از جمله خارجی‌ها را به گروگان گرفتند و جنگ را از مرکز فعالیت‌های خود (آسیای مرکزی) به فراسوی مرزهای ازبکستان توسعه دادند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، دولت‌های آسیای مرکزی سیاستی مشابه سیاست خصمانه‌ای که در زمان شوروی در قبال «سیاسی کردن مذهبی اسلام» پیگیری می‌شد اتخاذ کرده‌اند. مقامات دولتی سیاست کنترل محافل مذهبی را دنبال کرده‌اند و بر این باورند که آنها درصدد تحقق بخشیدن به انقلاب مذهبی و تأسیس دولت‌های تئوکراتیک در میان مناطق مسلمان‌نشین شوروی سابق هستند. اما هرچه این مقامات محدودیت‌های بیشتری بر آزادی‌های عمومی اعمال کنند، عامه مردم بیشتر هوادار گروه‌های اپوزیسیون می‌شوند. بنابراین نظامیگری در بین مردم رشد کرده و باندهای زیرزمینی تشکیل می‌شوند. در میان

تمامی جمهوری‌ها، ازبکستان با تهدید امنیتی و همچنین بیم شورش نظامیان مسلمان روبروست و از این نظر در مقام دوم بعد از تاجیکستان قرار دارد. رئیس جمهور کریم‌اف مکرراً اظهار داشته است که کشورش در معرض تهدید استقرار یک دولت اسلامی از طریق شکست دولت وی قرار دارد. قدرت اسلام‌گراها در تاجیکستان هر چه باشد، بر منظر سیاسی جمهوری‌های آسیای مرکزی تأثیر گذارده است. رژیم‌های ازبکستان و تاجیکستان هر دو افغانستان و پاکستان را مسئول نفوذ «بنیادگرایان اسلامی» به جایگاه خود می‌دانند.^(۱۷)

در پی بحران مذکور دولت‌های ازبکستان و قرقیزستان، با ذکر نام، طالبان افغانستان، چچن و تندروهای اسلامی داغستان و همچنین حزب رستاخیز اسلامی تاجیکستان^۱ را به‌عنوان بازیگران اصلی در میان (اپوزیسیون متحده تاجیک^۲) بنیادگراهای اسلامی، مقصر دانستند. این بحران چنان تنشی ایجاد کرده است که دولت قرقیزستان از روسیه تقاضای کمک نظامی کرده و به نیروی هوایی ازبکستان اجازه داده است مرز قرقیزستان - تاجیکستان را در منطقه باتکن^۳ برای سرکوب شورشیان مسلح بمباران کند. کشته‌شدگان این بمباران قطعاً غیرنظامی بودند. مقامات قرقیزستان احساس کردند اگر وارد عمل نمی‌شدند بنیادگراها پایگاه مستحکمی در قرقیزستان ایجاد می‌کردند. قرقیزستان به سرعت برای پرهیز از چالش سیاسی فرارو، اقدام کرد. مقامات قرقیزستان ظن می‌بردند که شهروندان قرقیز با رادیکال‌ها در ارتباط هستند و بسیاری از آنها در آینده به تندروها ملحق خواهند شد. ظن قرقیزستان مبنی بر این واقعیت است که شهر اوش^۴ این کشور، در فرغانه^۵، دره‌ای که به‌عنوان منطقه سنتاً بسیار مذهبی معروف بوده، واقع گردیده است. از قرار معلوم احزاب حاکم در ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان و گروه‌های اپوزیسیون را مجبور کردند مخفیانه عمل کنند و به این

1. Islamic Renaissance Party: IRP.

2. United Tajik Opposition: UTO.

3. Batken.

4. Osh.

5. Fergana Valley.

ترتیب آنها را ظاهراً برچیدند. از این رو احتمال درگیری به جای اینکه کمتر شود، افزایش یافته است. این رژیم‌ها به دلیل نقایصی که خود دارند مداخلات نامشروع خارجی را علت این درگیری‌ها می‌دانند. آنها برای کسب وجهه، حمله به اسلام‌گرایان افغان را مستمسک قرار داده‌اند.^(۱۸) در صحنه سیاسی، مخالفت با رژیم‌های اقتدارگرا مکرراً باعث خشونت می‌شود. در نتیجه، تعداد زندانیان نیز افزایش می‌یابد. ترکیه، علاوه بر جمهوری‌های همسایه یا روسیه به مأمور و مأوای بسیاری از رهبران اپوزیسیون آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شده‌است. در میان این گروه‌ها جنبش اسلامی ازبکستان^۱ به‌شدت با رژیم فعلی ازبکستان مخالفت می‌کند. طاهر یولداشف^۲، رهبر جنبش اسلامی ازبکستان، محمد صالح رهبر حزب ارک^۳ و سایر رهبران اپوزیسیون با شکایت و توسل به جامعه بین‌المللی درخواست کرده‌اند دولت ازبکستان را برآن دارد که وضعیت حقوق بشر در این کشور را بهبود بخشد. طبق شکایات واصله، به دلیل ضعف دموکراسی، شمار زندانیان سیاسی در جمهوری مزبور در حال افزایش است.

در آسیای مرکزی، احیای اسلام در زمان پرسترویکای^۴ (بازسازی و اصلاحات اقتصادی) گورباچف آغاز و بعد از تجزیه اتحاد شوروی شدت یافت و در نتیجه نقش سیاسی اسلام مبرز شد. اکنون پیروان اسلام سیاسی به میزان قابل توجهی اهل مناطق شهری هستند. روشنفکران مسلمان جایگاه مهمی در ازبکستان و تاجیکستان به‌دست آورده‌اند. از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱، احیای اسلامی در دره فرغانه اهمیت خاصی یافته است. ادبیات و رسانه‌های سمعی و بصری اسلامی از زمانی که مقامات رسمی تلاش کرده‌اند از طریق تحمیل سانسور آنها را برچینند به آسانی افزایش یافته است. شمار زیادی از گروه‌های اسلامی در دره فرغانه مستقلاً فعالیت‌های خود را ادامه داده‌اند و علاقه‌ای به وابستگی به شورای مذهبی^۵ که

1. Islamic Movement of Uzbekistan: IMU.

2. Takhir Yuldashev.

3. Erk.

4. Perestroika.

5. Religious Board.

دولت‌بانی آن است ندارند. شورای مذهبی، باقیمانده سبک روسی ادارات امور مذهبی است. این واقعاً مایه سرافکنندگی مقامات دولتی و قطعاً قابل تحمل نبوده و منجر به آزار این گروه‌ها یا افراد می‌شود. رهبران بسیاری در منطقه بازداشت شده‌اند و از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. از زمان فروپاشی رژیم شوروی، تماس جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد شوروی سابق و هر یک از سازمانهای مسلمان با دنیای اسلام افزایش یافته است. کشورهای مسلمان نیز فرصت یافتند تا با آنها ارتباط برقرار کنند. از عربستان سعودی و سایر کشورهای خاورمیانه تعداد زیادی مبلغ مسلمان به آسیای مرکزی و قفقاز فرستاده شده‌اند. ترکیه به دلایلی روشن، از جمله نزدیکی زبانی، فرهنگی و جغرافیایی گوی سبقت را از سایرین ربوده است. به همین دلیل، ناظران زیادی این برداشت را دارند که پان‌ترکیسم و نتیجتاً پان‌اسلامیسم دوباره در منطقه در حال رشد است. از سوی دیگر به دلیل رشد بنیادگرایی، مقامات دولتی از بکستان و تاجیکستان، کشورهای مسلمان، به‌ویژه افغانستان را به فراهم نمودن اردوگاه‌های آموزشی زیرزمینی جهت اسلام‌گراها متهم می‌کنند. سالها این اعتقاد شکل گرفته است که احیای اسلام در آسیای مرکزی نتیجه مستقیم پیروزی مجاهدین افغان علیه روس‌ها بوده است.^(۱۹)

جمهوری‌های آسیای مرکزی، با منابع بزرگ خود بالقوه می‌توانند سرمایه خارجی را در جهت رشد سطح اقتصاد و بهبود وضعیت زندگی اجتماعی خود جلب کنند. الیویه روا^۱ مدیر پژوهشی مرکز ملی تحقیقات علمی^۲ فرانسه در خصوص حوزه نفوذ خارجی‌ها در آسیای مرکزی گفته است «سررشته اصلی نفوذ در آسیای مرکزی، برخلاف قفقاز، در دست آمریکایی‌ها و عمدتاً مبتنی بر منافع نفت و گاز است».^(۲۰) سازمان اطلاع‌رسانی انرژی آمریکا^۳ اعلام کرده است منابع هیدروکربن جمهوری‌های آسیای مرکزی که حاوی نفت و گاز هستند بسیار بزرگند.^(۲۱)

1. Olievier Roy.

2. Centre National de la Recherche Scientifique: CNRS.

3. United States Energy Information Agency.

مع الوصف، روابط اقتصادی این جمهوری‌ها با ترکیه، و سایر کشورهای مسلمان روز به روز افزایش پیدا می‌کند. بازار وسیع آسیای مرکزی هنوز هم نیازمند اکتشاف و توسعه است.

در خصوص احیای مذهب می‌توان بدون اغراق گفت که حتی نسل جدید دیگر هرگز نسبت به مذهب بی‌تفاوتی نشان نمی‌دهند، بلکه احساس می‌کنند اسلام می‌تواند به شکل‌گیری رفتار اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی آنها کمک کند. دانشجویان از وقتی که مشارکت خود را در حیات اسلامی پس از فروپاشی شوروی افزایش دادند، به شدت تحت نظارت قرار گرفته‌اند. آنها باید طوری آموزش و پرورش یابند که شیوه اسلامی زندگی را سرمشق خود قرار دهند. ولی، مقامات دولتی کسانی را که برای تحصیل از کشور خارج می‌شوند - به ویژه جوانان - و باز می‌گردند به تصور اینکه آنها تحت تأثیر بنیادگراها قرار می‌گیرند سرزنش می‌کنند. نهادهای مذهبی دولتی از انتصاب آنها به عنوان روحانی واهمه دارند. مقامات دولتی از ترس شکل‌گیری و رشد مخالفان مسلمان رادیکال، آنها و همچنین مساجد و مدارس را شدیداً تحت نظر قرار می‌دهند. در این جمهوری‌ها مدارس و نهادهای مذهبی بدون مجوز مقامات دولتی اجازه تأسیس ندارند. بنابراین، سیاست رسمی، بسیاری از مردم را وامی‌دارد علیه رژیم‌های فعلی به پاخیزند. احزاب اپوزیسیون به آن اندازه که باید و شاید آزادی عمل پیدا نکرده‌اند؛ بلکه آنها حتی با اینکه صلح‌آمیز رفتار می‌کنند مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند.

قوانین مذهبی جدید از بکستان، مصوب سال ۱۹۹۸ تشکیل هر حزب سیاسی بر پایه ایدئولوژی مذهبی را منع کرده است. هر فعالیت مذهبی سازماندهی شده به وسیله هر سازمان یا نهاد مذهبی یا نیازمند مجوز دولت است و یا باید توسط مجامع مذهبی دولتی سازماندهی شود. چهره‌های مذهبی مستقل در مقایسه با چهره‌های دولتی از جذابیت بسیار بیشتری برخوردارند. براساس ابتکار آنها مساجد بسیاری نیز ساخته شده‌اند. حاکمیت اقتدارگرا، با تحمیل مقررات فراوان دولتی به تدریج وضعیت انفجار آمیزی را به وجود آورده است که زمانی به یک انفجار سیاسی خواهد انجامید. روحانیون دولتی به این متهم شده‌اند که سخت‌گیری دولت

را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. رژیم ازبکستان برای جلوگیری از تکرار تجربه وضعیت تاجیکستان، در مقابل مخالفانش به‌پا خاسته است. هرچند ازبکستان و روسیه دولت کمونیست تاجیکستان را مورد حمایت همه‌جانبه قرار داده‌اند ولی اپوزیسیون موفق شده است آنها را به مذاکره برای خاتمه دادن به جنگ وادارد. اپوزیسیون نقش مهمی از طریق حزب رستاخیز اسلامی به رهبری سید عبدالله نوری بازی کرده و موفق شده است نقشه سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. این حزب به نیروی سیاسی برتر در این کشور تبدیل شده است. این حزب از بدو تأسیس خود نه تنها به رستاخیز معنوی و روحانی بلکه به فرآیند اصلاحات سیاسی و اقتصادی که در روسیه شروع شد نیز علاقه وافری نشان داده است.^(۲۲) این حزب، همچنین نشان داده است که نیت آن پیاده کردن سیستم دموکراسی چندحزبی در کشور است. به آمال این حزب با تردید نگریسته می‌شود و به عنوان چالش اسلام‌گرایانه علیه رژیم تاجیکستان، بیش از اندازه و بی‌مورد از آن ترس دارند. دولت ازبکستان از ترس به‌وجود آمدن وضعیت تاجیکستان، محدودیت‌هایی برای فعالان سیاسی اسلامی قایل شده است. روشنفکران و علما (چهره‌های اسلامی) به یک نسبت مورد ظن اشاعه ایدئولوژی سیاسی اسلام قرار دارند.

جمهوری‌های آسیای مرکزی در انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری خود اطمینان حاصل می‌کنند که در مقابل مخالفان خود، چه اسلام‌گراها و چه دموکرات‌ها محافظت می‌شوند. این رژیم‌ها در تأسیس نهادهای سکولار بیشتر مشوق مداخله کشورهای غربی و آمریکا در منطقه بوده‌اند. انگیزه اصلی کشورهای غربی منافع اقتصادی یا سیاسی است؛ ولی روشن است که جهان اسلام باید اولویت مذهبی - فرهنگی را در منطقه میان سایر اولویت‌های خود قایل شود. کشورهای ذینفوذ مسلمان به‌جای تکاپو در جهت منافع خاص خود باید ابتکار تدوین یک سیاست مشترک و چندمنظوره در خصوص توسعه نهادها و دانش‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، پرورشی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی را در دست گیرند.

اگر رهبران آسیای مرکزی و کرملین تصور کنند اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی خواستار

نقشی مهم در امور دولتی چه در آسیای مرکزی و چه در قفقاز نخواهد بود، نشانگر خامی آنهاست. جلوه‌های سیاسی، اجتماعی یا معنوی اسلام به‌عنوان تجلی نیرویی استوار در نقاط مختلف جهان تلقی شده‌اند. این تصور که مسلمانان شوروی سابق باید از این چارچوب حذف شوند، به مرور زمان محکوم و باطل خواهد شد. گذشت زمان غفلت از به حساب آوردن مسلمانان شوروی در این چارچوب را محکوم و نفی خواهد کرد.

منابع

1. *The Muslim World League Journal*, Makkah, Saudi Arabia, Vol.28, No.1, 2000, p.35.
2. BECKA, Jiri, «Islam in Central Asia and the Caucasus: Review Article», *Archiv Orientalni: Quarterly Journal of Asian and African Studies*, Praha, Czech Republic, Vol.68, No.2, May 2000, p.275.
3. WARE, Robert Bruce, «Conflict in the Caucasus: an historical context and a prospect for peace», *Central Asian Survey*, Abnigdon, UK, Vol.17. No.2, 1998, p.337.
4. Ibid.
5. *The Times*, 18 April, 2000, p.1.
6. «Russia threatens to bomb Afghan terror camps», *The Guardian* (UK), 25 May, 2000, p.18.
7. *Financial Times*, (UK), 11 May, 2000, p.31.
8. GAMMER, Moshe, «Post- Soviet Central Asia and Post- Colonial Francophone Africa: Some Associations», *Middle Eastern Studies*, Ilford, UK, Vol.36, No.2, 2000, p.141.
9. ZAGORSKI, Andrei, «Russia and the CIS», in Hugh Miall (Ed), *Redefining Europe: New Patterns of Conflict and Cooperation*, Royal Institute of International Affairs, London, UK, p.77.

10. GELLNER, Ernest, «Marxism and Islam: Failure and Success», in A. Tamimi edited *Power-sharing Islam?* Liberty, London, UK, 1993, p.36.
11. *ISIM Newsletter*, Leiden, *Netherland*, No.1, 1998, p.19.
12. Ibid.
13. See *The Times*, 3 February, 1995.
14. *Analysis of Current Events*, New York, USA, Vol.9, No.6, 1997, p.11.
15. Newsletter: O.I.C. Research Center for Islamic History, Art and Culture (IRCICA), Istanbul, Turkey, No.47, December 1998, p.7.
16. *Newsweek*, 5 June, 2000, p.24.
17. RUBIN, Barnett R., «Russian Hegemony and State Breakdown in the Periphery; Causes and Consequences of the Civil War in Tajikistan», in: RUBIN, Barnett R. and SNYDER, Jack (Eds.), *Post - Soviet Political Order: Conflict and State Building*, Routledge, London and New York, 1998, pp.155-65.
18. MENON, Rajan and SPRUYT, Hendrick, «Possibilities for Conflict Resolution in Post- Soviet Central Asia», in: RUBIN, Barnett R. and SNYDER, Jack (Eds.), *Post-Soviet Political Order....* p.114.
19. See *Central Asian Survey*, Vol.17, No.2, 1998, p.278.
20. Roy, Olivier, *The New Central Asia: The Creation of Nations*, I.B. Tauris, London, 2000, p.200.
21. *The Middle East Journal*, Washington, USA, Vol.54, No.2, p.255.
22. REETZ, Dietrich, «Islamic Activism in Central Asia and the Pakistan Factor», *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, Villanova, USA, Vol.23, No.1, 1999, p.25. (written by Mohammad Abdul Karim, Research Fellow and PhD candidate at De Montfort University, Leicester, U.K.)